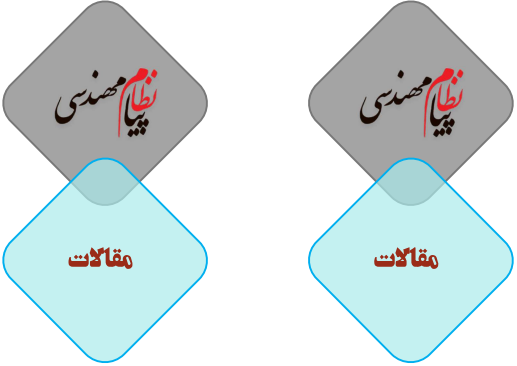


# جنبش‌ها و سبک‌های هنری قرن بیست و یکم و تأثیر آن در معماری با تأکید بر جهانی شدن هنر معاصر

مقدمه

در قرن بیستم شاهد تلاش‌های بسیاری از هنرمندان برای تغییر وضعیت موجود و تکان دادن دنیای هنر هستیم، یکی از متمایزکننده‌های محبوب امروز هنر «هنر مفهومی»<sup>۱</sup> است، این سبک توسط نسل جدیدی از طراحان بازی هوشمندانه کامپیوتر و نیاز آن‌ها به گرافیک و صحنه‌های پس‌زمینه ایجاد می‌شود. هنرمندان به معنای واقعی کلمه، دنیاهای خود را به‌طور کامل بر اساس تخیل مفهومی ایجاد می‌کنند، موضوع منحصر به فرد در مورد این هنر، نوآوری و ظرفیت تخیلی مورد نیاز برای ایجاد آن است. این هنرمندان «مفهومی» ممکن است از طریق آثار خود، ایده‌های جدید در ذهن مهندسان که واقعا می‌تواند واقعیت را الهام ببخشند، ایجاد کنند (Conkey, 2006). در قرن بیست و یکم تغییرات زیادی در تقریباً هر بعد از علم، مراقبت‌های بهداشتی تا فن‌آوری و ارتباطات دیده می‌شود که این تغییرات شامل هنر هم می‌شود. تغییرات بزرگی در نحوه استفاده از هنر، به‌نحوی که هنرمندان آن را ایجاد می‌کنند، طبقه‌بندی هنر در زمان وجود ندارد و توالی زمانی هم ندارد، و این سؤال به وجود می‌آید که چگونه می‌توانیم ارزش هنر این قرن را در دنیا با این حجم اطلاعات محاسبه کنیم و چگونه هنرمندان این هنر را در فضای قدیمی دانشگاه‌ها تدریس نمایند در واقع هیچ‌کدام از این چالش‌ها پاسخ سیاه‌وسفید ندارند و نمی‌توان به‌هیچ‌وجه راه‌حل پیشنهاد نمود. در عوض، امیدواریم که آثار هنری لحظه‌ای را ایجاد و جذب کنند و فقط برخی از پیچیدگی‌های موجود در دنیای هنر امروز را روشن کنند (Dougherty, 2015). هنر قرن بیست و یکم در حال رشد، شکوفایی و انتشار است، بسیاری از موضوعات مهم در قرن جدید تجدیدنظر کرده‌اند و الهام‌بخش تفکر جدید و بحث‌های علمی مانند افزایش هنر زیست در پاسخ به تحقیقات علمی در علوم زیست‌شناختی و نظریه انتقادی شناخته‌شده به‌عنوان زیبایی‌شناسی ارتباطی است. هنر قرن بیست و یکم از مواد و وسایلی متنوعی ظاهر می‌شود که این شامل آخرین فن‌آوری‌های الکترونیکی مانند تصویربرداری دیجیتال و اینترنت است. بسیاری از هنرمندان به‌طور مرتب و آزادانه رسانه‌ها و اشکال را مخلوط می‌کنند و انتخاب‌هایی را انجام می‌دهند که بیشتر به



**مه‌ری دهیان**  
استادیار گروه معماری  
دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد ری/طهران

**رضا فرهمینی فراهانی**  
استادیار گروه معماری  
دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد باغ‌آباد/تهران  
خمس‌تیر (ره) شهری

مفاهیم و اهدافشان خدمت کند. مباحث دیگری که در اواخر قرن بیستم مورد بحث و بررسی قرار گرفت، همچنان برای تجزیه و تحلیل هنر و فرهنگ بصری قرن بیست و یکم، همچون نشانه‌شناسی، پست‌مدرنیسم، فمینیسم و ... است. قرن بیست و یکم فقط آغاز مسائل است و ایده‌ها به‌سرعت در حال شکل‌گیری هستند و هنرمندان جدید، دائماً توجه و نفوذ می‌کنند. هم‌زمان، افزایش حرکت هنرمندان در مرزها و اقیانوس‌ها به ترکیب میان تأثیرات و واژگان هنری افزوده است. معنای و پیامدهای جهانی‌شدن، توسط محققان، بسیار مورد بحث قرار می‌گیرد که از لحاظ اقتصادی و سیاسی، جهانی‌شدن نیرویی برای رشد و آزادی در جوامع دنیا است. فعالیت‌های متفاوت از پروژه‌های دیدنی و جذاب با بودجه عظیم با تولیدات فوق‌العاده‌ای ایجاد می‌شود (Robertson, 2018).

نوع پژوهش، نظری - کاربردی است. این پژوهش از آن روی جزء پژوهش‌های نظری قرار می‌گیرد که از روش تحلیل عقلانی در بررسی اطلاعات جامع‌آوری شده، استفاده شده است و از آن باب کاربردی است که نتایج به‌دست‌آمده از آن در بسیاری از فعالیت‌های اجرایی شامل حوزه آموزش، طراحی و اجرای معماری و نظایر آن مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در این پژوهش از روش‌های تحقیق متفاوتی استفاده شده است. روش این پژوهش بر اساس شناخت و تحلیل آثار و مصادیق و نمونه‌های مطالعاتی می‌پردازد و همچنین برای انتخاب اولیه و بررسی دقیق مصادیق و دسته‌بندی آن‌ها از روش توصیفی استفاده خواهد شد به‌گونه‌ای که در ابتدا به توصیف نمونه‌ها بر اساس اجزا و عناصر قابل مشاهده پرداخته خواهد شد و سپس بر اساس روش تحلیلی به تحلیل و بررسی بر اساس معیارهای به‌دست‌آمده از مطالعات نظری پایه پرداخته خواهد شد، به عبارتی با تناسب به ماهیت موضوع از یک یا تلفیق چند روش بهره گرفته شده است. از نظر روش انجام مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای خواهد بود، بدین منظور نمونه‌های شاخص، شناسایی و سپس بر اساس اینکه منبع الهام و ایده طراحی آن‌ها تحت تأثیر چه عواملی بوده است دسته‌بندی می‌شوند.

**تعارف جنبش‌های و سبک‌های هنر در قرن بیست و یکم (با تأکید بر نمونه معماری برگرفته از آن)**  
در این بخش از مقاله جنبش‌ها و سبک‌های هنری تعریف و برای هر کدام در صورت تطبیق اثر معماری در خارج و داخل ایران نمونه معرفی شده است.

هنر الگوریتمی (Algorithmic art)  
هنر الگوریتمی، همچنین به‌عنوان الگوریتم هنر شناخته می‌شود، هنری که عمدتاً هنر بصری است که از طریق یک الگوریتم طراحی می‌شود. هنرمندان

الگوریتمی بعضی اوقات الگوریتم‌ها نامیده می‌شوند. هنر الگوریتمی یک زیرمجموعه از هنر تولیدی است و تقریباً همیشه با یک کامپیوتر اجرا شده است. اگر با کامپیوتر اجرا شده باشد به‌عنوان هنر تولید شده کامپیوتری طبقه‌بندی می‌شود، اما در بیشتر هنر تولید شده کامپیوتری بخشی از کامپیوتر در اجرا محدود شده است. در تباین هنر الگوریتمی، طراحی خلق، نتیجه فرآیند الگوریتمی است، معمولاً فرآیند تصادفی یا شبه تصادفی برای محصول تغییرپذیری به کار می‌برند. هنر الگوریتمی به هنر سیستمی هم مربوط می‌شود (Eberle, Robert, 2015).



بیومورفیسم (Biomorphism)

مدل‌های «بیومورفیسم ۲» عناصر طراحی هنری را بر الگوهای طبیعی یا شکل‌هایی که طبیعت و موجودات زنده را یادآور می‌شوند، مدل می‌کند. آن را به‌شدت درک می‌کند و تلاش می‌کند تا اشکال طبیعی را بر روی دستگاه‌های کاربردی وارد کند (Feuerstein, 2001).



هنر زیست‌محیطی (Environmental art)

هنر زیست‌محیطی طیف وسیعی از شیوه‌های هنری است که شامل هر دو رویکرد تاریخی به طبیعت در هنر و انواع جدید کارهای زیست‌محیطی و سیاسی است. هنر زیست‌محیطی از نگرانی‌های رسمی، با زمین به‌عنوان یک ماده مجسمه‌سازی، به سمت یک رابطه عمیق‌تر با سیستم‌ها، فرآیندها و پدیده‌ها در ارتباط با نگرانی‌های اجتماعی، تکامل یافته است. رویکردهای یکپارچه اجتماعی و زیست‌محیطی به‌عنوان یک موضوع اخلاقی و پایدار در دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت. طی ده سال گذشته، هنر محیط زیستی تبدیل به یک نقطه کانونی از نمایندگان سراسر جهان شده است، به‌عنوان جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی تغییرات آب و

هوایی، به خط مقدم می‌رسد. (Sam Bower, ۲۰۱۰)



است که پیام موردنظر خود را منتقل کند. معنای کار در قصد هنرمند و نه تفسیر بیننده یافت می‌شود. متخصصین معتقدند که نادیده گرفتن قصد هنرمند می‌تواند منجر به محدودیت‌های اعمال شده بر روی هنرمند و حتی سانسور شود (Irwin, ۲۰۰۲).



هنر مداخله‌ای (Intervention art)

مداخله هنری تعامل با یک آثار هنری قبلی، مخاطب، محل فضا یا وضعیت است. این موضوع از هنر مفهومی برخوردار است و معمولاً یک نوع هنر عملکردی است. این در ارتباط با اپوزیسیون وین، جنبش دادا و نئو دادایی است. این نیز توسط «Stuckists ۴» بسیار مورد استفاده قرار گرفته است تا تأثیرات دیگر آثار هنری را که با آن‌ها مخالفت می‌کنند، تحت تأثیر قرار دهد و به‌عنوان یک اعتراض علیه مداخلات موجود باشد (Perini, ۲۰۱۰).



حداکثر گرایی (Maximalism)

در هنر، حداکثر گرایی، واکنش علیه مینیمالیسم، زیبایی بیش‌ازحد و افزونگی است. فلسفه را می‌توان به‌عنوان «بیشتر بیشتر» خلاصه‌شده است، در مقایسه با شعار مینیمالیستی «کمتر است بیشتر» (Pincus - Witten, ۱۹۸۱).



هنر افراطی (Excessivism)

جنبشی هنری است که در سال ۲۰۱۵ توسط هنرمند آمریکایی با نمایشگاه با عنوان «Initiative Excessivist» معرفی شد. استفاده بیش‌ازحد از منابع را به شیوه‌ای اغراق‌آمیز، با استفاده از خلاقیت‌های دو و یا سه‌بعدی بصری، کلمات نوشته‌شده یا گفته می‌شود. این هدف در جهت بازتاب، بررسی یا تحقیق در مورد نظام سرمایه‌داری، بدون ملاحظات زیبایی‌آسی، قانونی، تجاری، اخلاقی، اخلاقی، نژادی و مذهبی است. تمایل بیش‌ازحد برای به دست آوردن کالاهای مادی بیش از نیازهای فرد است و اغلب به معنی آن است. هدف نظام سرمایه‌داری این است که سود را برای سرمایه‌گذاران خصوصی یا شرکت‌ها (بدون در نظر گرفتن عواقب موردنظر از جمله انسان و محیط‌زیست) به‌عنوان سودمندی یا ثروت متعلق به دولت تعریف کند. ساختار این ساختار، سهم قابل‌ملاحظه‌ای را در رشد اقتصادی، اشتغال و رونق ایجاد می‌کند. همچنین این جنبش با عنوان «آرونی، عدم تعادل و یک روکوو جدید» در «هافینگتن پست» منتشر شد. (Huffington Post, ۲۰۱۵)



قصد هنرمند (Intentism)

یک جنبش هنری است که توسط «ویتوریو پلوسی ۳» تأسیس شده است و در سال ۲۰۰۹ مانیفست آن در لندن منتشر شد. متخصصین معتقدند که هنرمند آزاد

نظام‌مذهبی

مقالات

نظام‌مذهبی

مقالات

متا مدرنیسم (Metamodernism)

یک مجموعه پیشنهادی پیشرفت در فلسفه است. زیبایی‌شناسی و فرهنگی که از پست‌مدرنیسم در حال شکل‌گیری و واکنش نشان می‌دهند. یک تعریف، متا-مدرنیسم را به‌عنوان میانجی بین جنبه‌های مدرنیسم و پست‌مدرنیسم توصیف می‌کند (METAMODERNIST MANIFESTO).



نئو مینی مالیزم (Neo-minimalism)

نئو مینی مالیزم یک جنبش هنری غیرمعمول در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن ۲۱ است. این جایگزین به نام «نئو ژئومتریک ۵» یا «هنر نئو ژئو» نام‌گذاری شده است. اصطلاحات دیگر عبارت‌اند از: نئو پولوژیست، نئو فوریزم، نئو آپ، نئو پاپ، انتزاع جدید، «پوآومتري»، Walker) پس از انتزاع، شبیه‌سازی، و هنر هوشمند (۱۹۹۲).



هنر رسانه‌های جدید (New media art)

هنر رسانه‌های جدید اشاره به آثار هنری ایجاد شده با تکنولوژی‌ای جدید رسانه‌ای از جمله هنر دیجیتال، گرافیک کامپیوتری، انیمیشن کامپیوتری، هنر مجازی، هنر اینترنت، هنر تعاملی، بازی‌های ویدئویی، روباتیک کامپیوتری، چاپ ۳D، هنر سایبورگ و هنر به‌عنوان بیوتکنولوژی. این اصطلاح خود را با عناصر فرهنگی و رویدادهای اجتماعی حاصل می‌کند که در مخالفت با کسانی که از هنرهای تجسمی قدیمی می‌بینند، مخالفت می‌کنند. این نگرانی در مورد رسانه‌ها یکی از ویژگی‌های کلیدی هنر معاصر است و در واقع بسیاری از مدارس هنر و دانشگاه‌های بزرگ در حال حاضر

در «ژانرهای جدید» یا «رسانه‌های جدید» رشته‌های اصلی را ارائه می‌دهند و تعداد بیشتری از برنامه‌های فارغ‌التحصیل در سطح بین‌المللی پدید آمده‌اند. هنر رسانه‌ای جدید اغلب شامل تعامل بین هنرمند و ناظر یا بین ناظران و آثار هنری است که به آن‌ها پاسخ می‌دهد. با این حال، همان‌طور که نظریه‌پردازان و مدیران مختلف اشاره کرده‌اند، چنین گونه‌های تعامل، تبادل اجتماعی، مشارکت و تحول، رسانه‌های رسانه‌ای جدید را تشخیص نمی‌دهند، بلکه به‌عنوان یک زمینه‌ی مشترکی که در دیگر رشته‌های هنر، هنر معاصر است، همکاری می‌شود. شین بینشی بر اشکال عمل فرهنگی تأکید می‌کند که هم‌زمان با سیستم‌عامل‌های مبتنی بر فناوری به وجود می‌آیند و تمرکز بر رسانه‌های تکنولوژیک را در خودشان مطرح می‌کنند (Web Design & New Media. academyart.edu).



نئو فوتوریسم (Neo-futurism)

نئو فوتوریسم جنبش قرن بیستم تا اوایل قرن بیست یکم در هنر، طراحی و معماری است. این را می‌توان به‌عنوان خروج از نگرش بعد از مدرنیسم مشاهده کرد و نشان‌دهنده‌ی یک اعتقاد آرمان‌گرایانه به آینده‌ی بهتر و «تنباه به تجدید روابط مدرن با فن‌آوری» است. بازاندیشی مربوط به زیبایی‌شناسی و عملکرد شهرهای سریعاً در حال رشد است. صنعتی‌سازی که در سراسر جهان پس از پایان جنگ جهانی دوم آغاز شد، موجب جریان جدیدی از اندیشه در زندگی، هنر و معماری شد که منجر به پس مدرنیسم، نو مدرنیسم و سپس نئوفوتوریسم شد (Giovannini, ۲۰۱۳).



هنر ارتباطی (Relational art)

هنر ارتباطی یا زیباشناختی ارتباطی یک حالت یا



زیبایی‌شناسی در خود تعامل و توسعه است. (Pablo, ۲۰۱۲)



هنر انتقام‌جویانه (Transgressive art) هنر انتقام‌جویانه هنری است که هدف آن تجاوز است؛ یعنی خشم و یا نقض اصول و احساسات اساسی. اصطلاح تجاوز برای سینمای انتقام در سال ۱۹۸۵ به کار گرفته شد. از این هنر برای توصیف فیلم‌سازان زیرزمینی استفاده کرده‌اند. (Johnson, ۱۹۹۸)



نتیجه‌گیری

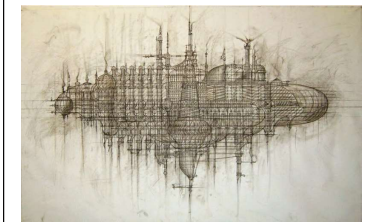
معماری به‌عنوان شاخه‌ای از هنر در طول زمان پیشرفت کرده است. مدرنیسم حرکتی پیشگام برای تبدیل شدن به روند هنری و فرهنگی با ایده مدرن از اواسط قرن نوزدهم بود. جنبش کوبیسم به‌عنوان تولد مدرنیسم پذیرفته شد و در بسیاری از زمینه‌ها مانند معماری، ادبیات، جایگاه برجسته‌ای پیدا کرد. بیومورفیسم که بر قدرت زندگی طبیعی و نزدیکی به اشکال ارگانیک متمرکز بود، در آغاز قرن بیستم شکل گرفت و توسط برخی از طراحان هنر نوساخته شد. جنبش مدرنیسم به‌عنوان تلاش دوباره ارزیابی گذشته از اواسط قرن ۲۰ آغاز شد و جنبش پست‌مدرن به‌عنوان تلاش تغییری خود را نشان داد. جنبش‌های هنری از قرن ۱۸ تا امروز در معماری در بسیاری از زمینه‌ها مؤثر بوده است. در این مطالعه، اثر حرکات هنری بر معماری مورد بررسی قرار گرفت. جنبش‌های هنری مربوط به معماری با توسعه آگاهی شهری با آغاز بشریت و نخستین سکونتگاه‌ها آغاز می‌شود و

گرایش در هنرهای زیبا است که در ابتدا توسط نقاش نقاشی فرانسه، «پابلو بوریوود»، دیده می‌شود. «بوریوود» این رویکرد را «مجموعه‌ای از شیوه‌های هنری می‌داند که به‌عنوان نقطه‌نظر تئوری و عملی آن‌ها تمام روابط انسانی و زمینه اجتماعی آن‌ها را به ی فضای مستقل و خصوصی به کار می‌گیرد». هنرمند می‌تواند به‌جای اینکه در مرکز قرار گیرد، دقیق‌تر به‌عنوان کاتالیزگر در هنر ارتباطی مورد توجه قرار گیرد (Bourriaud, ۲۰۰۹).



بازنوگرایی (Remodernism)

یک جنبش هنری در قرن بیست و یکم است که به جنبه‌های هنر نوگرا، تجدیدنظرگرای جنبه‌های مدرنیسم را به‌ویژه در شکل اولیه آن احیاء می‌کند، و به پیروی از پست‌مدرنیسم می‌پردازد. هدف اصلی این جنبش احیای معنویت در هنر، که آن را متناقض می‌کند. طرفداران بازسازی، آن را به‌عنوان یک حرکت پیشرو و رادیکال و نه ارتجاعی حمایت می‌کنند. باز نوگرایی نخستین بار در سال ۲۰۰۰ توسط بنیان‌گذاران «جنبش استاکسیم ۷»، «چارلز تامسون و بیلی چاپلیدیش ۸»، در بیانیه‌های با همین نام مطرح شد. (Bill, ۲۰۰۹)



هنر تعامل اجتماعی (Social practice art)

تمرین اجتماعی یک رسانه هنری است که بر تعامل با تعامل انسان و گفت‌وگو اجتماعی متمرکز است. از آنجایی که افراد و روابط آن‌ها، محرک چنین کارهایی هستند به‌جای فرآیند خاص تولید مشارکت اجتماعی نه‌تنها بخشی از سازمان، اجرای یا ادامه کار است، بلکه

همچنان با ظهور نیاز به فضاهای مختلف در شهرهایی که از انقلاب صنعتی شلوغ می‌شوند، ادامه می‌یابد. با توجه به این‌که هنر به‌صورت فیزیکی با معماری مشغول به کار است، چندین مدل در سراسر قرن‌ها شناخته‌شده است. مدل هنرمندمعمار، مدل که در آن هنر به معماری و مدل که نفوذ هنر در معماری گرایش‌های نوآورانه‌ای را به ارمغان می‌آورد. همه این مدل‌ها ارتباط بین هنر و معماری را در برمی‌گیرند و برخی حتی حاوی محل مشترک هستند. باین‌حال، از طریق نمونه‌هایی از همکاری «فرانک گری ۹» با کلاس اولدنبورگ ۱۰ و «کوزیه ون بروزگن ۱۱» یا همکاری «هرتسوگ و د-مورون ۱۲» با «رمی زوگ ۱۳»، به رسمیت شناخته‌شده است که بیانگر همکاری ایده آل بین هنرمندان و معماران است. برنامه‌های هنری برای هنر و هنر عمومی که در اواسط قرن بیستم میلادی در اروپا و ایالات‌متحده اجرا می‌شود، به‌عنوان تقویت‌کننده اصلی پویایی همکاری ارائه می‌شود. نیاز به بازسازی شهرهای پس از جنگ و آغاز انتقاد از جنبش مدرن هنری را به مرکز گفتگوی معماری باز می‌گرداند. در برنامه‌ریزی اولیه آن‌ها، این برنامه‌ها باهدف ایجاد یک محیط شهری جذاب، ارتقاء جامعه بود. بعضی از عوامل اصلی که در فرآیند همکاری به زندگی می‌پردازند، عبارت‌اند از: عملکرد طراحی که به‌عنوان یک الزام برای هر معمار و به‌عنوان امکان برای کار هنری به ارمغان می‌آورد؛ پایداری جسم معماری به‌عنوان مخالفت با امکان تغییر مداوم فرآیند هنری و کار گروهی بین‌رشته‌ای، معماری معمول در مقیاسه با فردگرایی فرآیند هنری است. همه این مسائل هنوز

هم باید در یک همکاری موفق کنار گذاشته شوند. در سطح دیگری، مسائل مربوط به نویسندگی، پاسخگویی و کنترل هنوز از بین رفته است. شرایطی که از مطالعات موردی ظاهر می‌شود، روشن و غال با غافلگیر بود. آن همچنین ثابت کردند که تعصب بین هر دو رشته در زمینه‌ی همکاری ناپدید شده است. ارتباط بین هنر و معماری به‌طور مداوم توسط تفاوت‌های آشکار در روش‌شناسی، مسیرهای اندیشه و دیدگاه‌های جهان، بر روی انسان و جامعه، مشخص شده است. تأثیر هنر بر معماری در آثار برجسته جهان بر اساس این مطالعات کاملاً مشهود است. از این رو این تأثیر در معماری ایران نیز در اثر تبادل اطلاعات سریع روزانه به منصفه ظهور رسیده است.

یادداشت‌ها

۱. Conceptual art.

۲. Biomorphism.

۳. vittorio Pelosi.

۴. stuckists. یک جنبش بین‌المللی است که در سال

۱۹۹۹ تأسیس شد

۵. Charles Thomson and Billy Childish.

۶. Frank o gehry.

۷. Claes Oldenburg.

۸. Coosje van bruggen.

۹. Herzog and demeuron.

۱۰. Remy zaugg.

۱۱. Neo geometric.

۱۲. Nicolas Bourriaud.

۱۳. Stuckism.



